

تعاون در قران و تعاونی اقتصادی

نوع مقاله: پژوهشی

مرتضی عزتی^۱

رجبعلی قیصری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۳۰

چکیده

برداشت‌های غیر دقیق و نادرست از قران و یا ارایه دیدگاه‌های شخصی با استفاده از برخی آیات قران به نام دین، موجب ایجاد دیدگاه‌هایی شده است که در برخی موارد با علم و یا تجربه بشری هماهنگی ندارد. این دیدگاه‌ها می‌تواند به تضعیف دین الهی بیانجامد. یکی از این دیدگاه‌ها انتصاب تعاونی اقتصادی به اسلام با تمسک به آیه موصوف به تعاون است. در این مقاله کوشش شده است با استناد به آیات قران و با روش ترجمه قران با قران، آیه تعاون ترجمه دقیق شود و از تعاون قرانی برداشت درست‌تری ارایه شود. بر این پایه به این نتیجه می‌رسیم که آیه تعاون در قران به موضوع‌هایی که نفع شخصی دنیایی در آن وجود دارد، مانند شرکت‌های تعاونی اقتصادی، دلالت ندارد.

کلید واژه: تعاون، قران، شرکت تعاونی، نفع اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: P13, P41, J54, N35

mezzati@modares.ac.ir

R_gheisari@pnu.ac.ir

^۱ دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

^۲ مربی گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

هر چند تعاونی‌های اقتصادی، پیشینه تاریخی گسترده‌ای دارند، ولی در دوران صنعتی به صورت ویژه در چارچوب یک شکل مشارکت اقتصادی تعریف شد و به عنوان گونه‌ای موسسه اقتصادی پذیرفته شد. با این وجود در سده بیستم میلادی در نظام‌های کمونیستی و سوسیالیستیبه شدت گسترش یافت. به گونه‌ای که در این کشورها، بنگاه‌های اقتصادی سهامیو شخصی کنار گذاشته شد و همه بنگاه‌ها در قالب تعاونی تعریف شدند. در چین کمونیست، همه کشور به شکل یک تعاونی بزرگ اداره می‌شد.

تعاونی در ایران نیز پیشینه‌ای به تناسب پیشینه جهانی دارد. صرف نظر از گذشته تاریخی، در اوج گسترش تعاونی‌ها در جهان در آغاز سده ۱۴ خورشیدی، در قانون تجارت ایران، تعاونی به عنوان یک شکل بنگاه اقتصادی تعریف شد و در سال‌های بعد قانون‌های تکمیلی برای آن تصویب شد. دولت ایران نیز در این سال‌ها هزینه‌های زیادی برای گسترش تعاونی‌ها انجام داد، ولی در عمل تعاونی‌ها چندان موفقیتی نیافتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت تاثیر همان اندیشه‌ها و تقویت اندیشه‌های کمونیستی، برای برجسته‌تر کردن جایگاه تعاونی‌ها، در قانون اساسی از تعاون به عنوان یک بخش اقتصادی در کنار دولت و بخش خصوصی نام برده شد. در پی آن قانون‌ها، مقررات و سیاست‌های حمایتی گسترده‌ای برای توسعه تعاونی‌ها تصویب و اجرا شد که هزینه‌های سنگینی بر دوش کشور نهاد. با این حال بنگاه‌های تعاونی به جز انگشت شماری از آنها، موفقیت چندانی به دست نیاوردند. بخش عمده‌ای از این اقدامات و سیاست‌های حمایتی با این ادعا انجام می‌شد که خداوند در قرآن امر به تعاون کرده است. افراد بسیاری نیز در این زمینه دست به قلم شدند و کتاب‌ها و مقاله‌های پر شماری در باره امر قرآن به تعاون نگاشتند.

در همه تاریخ این مساله اساسی وجود داشته است. افراد بسیاری با هدف‌های مختلف، دیدگاه‌هایی را به قرآن و دین نسبت داده‌اند. می‌توان نمونه‌های بسیاری از آن را در تاریخ با عنوان‌های تحریف قرآن و خطای برداشت از قرآن و مانند اینها یافت. در باره تعاون با توجه به سخن روشن قرآن در آیه ۲ سوره مائده، می‌توان گفت این ادعا جای تامل دارد که منظور قرآن (که استناد نویسندگان به امر به تعاون در قرآن است) امر به تعاونی اقتصادی با مفهوم و تعریف‌های رایج از تعاونی باشد. برای روشن‌تر شدن مساله و بحث در ادامه نگاهی به فعالیت‌های تعاونی در ایران می‌کنیم، سپس نگاهی می‌کنیم به پیشینه برخی نوشته‌های اصلی که این آیه را برای توسعه تعاونی‌ها مستند قرار داده‌اند. سپس در چارچوب داده‌ها و روش، مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب‌های بنگاه‌های تعاونی را مستند به منابع اصلی ارایه می‌کنیم. آنگاه به بحث در باره آیه ۲ سوره مائده و ترجمه مفاهیم آن با استناد به قرآن یا همان روش ترجمه و برداشت قرآن به قرآن می‌کنیم. در پایان

در یک بررسی تطبیقی، چارچوب توصیه قرآن را با چارچوب بنگاه‌های اقتصادی مقایسه و تحلیل می‌کنیم تا بتوانیم جمع‌بندی پایانی را ارائه کنیم.

۱. مساله

به علت حمایت‌های قانونی بسیار گسترده از تعاونی‌ها، آن هم حمایت از فعالیت‌هایی که تنها صورت آن تعاونی است، تعداد تعاونی‌ها گسترش چشمگیری یافته است. یکی از مهمترین توجیهات حمایت از تعاونی‌ها، نسبت دادن آن به اسلام است که با این توجیه انجام شده است تعاونی در اسلام توصیه شده است و آیه ۲ سوره مائده برای تعاونی اقتصادی است. این توجیه‌ها موجب شده است سالانه منابع زیادی از کشور صرف توسعه تعاونی‌ها شود. در حالی که نه آنچه به نام تعاونی گسترش یافته نام، به صورت واقعی تعاونی است و نه به اندازه منابع صرف شده بازده داشته است. نگاهی به آمارهای مربوط به این بخش می‌تواند گویای انحراف تعاونی‌ها و در رفتن منابع در این بخش است. برای روشن‌تر شدن انحراف در مسیر تعاونی‌ها نگاهی به وضعیت تعاونی‌ها در ایران و نیز برخی منابع تخصیص داده شده به تعاونی‌ها می‌کنیم. یکی از معیارهای سنتی در تعاونی‌ها، مشارکت اعضای تعاونی‌ها در کار است. نگاهی به آمارهای تعاونی‌های موجود نشان می‌دهد تعاونی‌ها در ایران چندان با این معیار سازگار نیستند.

آمارها نشان می‌دهد تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد تعاونی‌های فعال کشور ۶۹۲۹۱ شرکت بوده است که غیر از شرکت‌های سهامی عدالت، ۶۸۹۵۰ واحد است. از این تعداد بیشترین تعداد یعنی ۱۸ هزار تعاونی در بخش خدمات، ۱۵ هزار تعاونی در بخش کشاورزی، ۱۱ هزار تعاونی در بخش صنعت و کمتر از ۱۰ هزار تعاونی از نوع تعاونی مسکن هستند.

کل تعاونی‌های کشور نزدیک به ۹ میلیون عضو دارند که نزدیک به ۵ میلیون (۴۹۹۰۸۴۱) نفر در تعاونی‌های مصرف (حدود ۶۰٪) و نزدیک به ۱/۵ میلیون (۱۴۷۰۷۶۴) نفر عضو تعاونی‌های مسکن (حدود ۱۶٪) هستند. تعداد کل شاغلین این تعاونی‌ها تنها یک میلیون ۳۷۲ هزار نفر است. یعنی به ازای هر ۷ نفر عضو تعاونی تنها ۱/۰۷ نفر اشتغال دارند. برای تبیین بهتر، نگاهی به این نسبت برای انواع تعاونی‌ها می‌کنیم. روشن است که انتظار نیست، در تعاونی‌های مسکن، مصرف، اعتبار، تامین نیازهای صنفی و تامین نیازهای تولیدکنندگان، همه اعضای تعاونی درون تعاونی شاغل باشند. ولی انتظار است اعضای تعاونی‌های صنعتی، حمل و نقل، خدمات، عمرانی، کشاورزی، فرش دستباف و معدنی درون آن شاغل باشند. البته این تعاونی‌ها می‌توانند افزون بر اعضا، افراد دیگر غیر عضو را نیز به خدمت بگیرند و شاغلین، بیش از اعضا باشند. بسیار کمتر بودن تعداد شاغلین از تعداد اعضا به روشنی می‌تواند گویای آن باشد که در برخی یا بسیاری از تعاونی‌ها،

کوشش شده است ظاهر تعاونی شکل بگیرد (بی آنکه نهاد تشکیل شده یک تعاونی واقعی باشد) تا از این مسیر، افراد از منابع و تسهیلات ویژه تعاونی‌ها بهره‌مند شوند.

جدول ۱: شرکت‌های تعاونی فعال در ایران

موضوع تعاونی	تعداد	تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی			نسبت شاغلین به اعضا	نسبت اعضا به شاغلین
		مرد و زن	مرد	زن		
کل در پایان سال ۱۴۰۰	۶۸۹۵۰	۸۹۶۰۷۸۹	۷۷۰۴۰۰۶	۱۲۵۶۷۹۴	۰,۱۵	۶,۵
اعتبار	۶۸۹	۴۴۵۰۵۹	۳۶۴۶۹۱	۸۰۳۶۸	۰,۱۳	۷,۶
تامین نیاز صنفی	۸۰۱	۱۵۹۶۶۵	۱۵۲۳۰۵	۷۳۶۰	۰,۰۸	۱۳,۲
تامین نیاز مصرف کنندگان	۴۰۸۷	۴۴۹۰۸۴۱	۴۲۷۶۷۱۱	۷۱۴۱۳۰	۰,۰۵	۲۳
تامین نیاز تولیدکنندگان	۱۴۹۵	۲۴۴۲۹۸	۲۱۶۶۳۱	۲۷۶۶۷	۰,۱۵	۶,۳
تولیدی توزیعی	۲۳۹۱	۴۶۱۹۴۶	۴۰۳۰۴۷	۵۸۸۹۹	۰,۱۹	۵,۲
حمل و نقل	۲۱۷۳	۱۷۷۲۱۰	۱۷۲۵۴۴	۴۶۶۶	۰,۳۱	۳,۲
خدمات	۱۷۳۴۹	۵۱۳۱۲۰	۴۳۷۴۸۱	۷۵۶۳۹	۰,۴۶	۲,۲
صنعتی	۱۱۰۳۷	۱۳۶۳۲۱	۹۲۵۴۹	۴۳۷۷۲	۰,۸۶	۱,۱۶
عمران	۱۲۲۱	۲۴۵۱۷	۲۱۲۰۷	۳۳۱۰	۰,۷۱	۱,۴۲
فرش دستباف	۱۱۴۹	۵۸۶۶۰	۴۰۹۹۸	۱۷۶۶۲	۰,۴۶	۳,۱۷
کشاورزی	۱۴۹۱۸	۲۲۶۷۷۹	۱۸۰۷۱۸	۴۶۰۶۱	۰,۶۰	۱,۶۶
مسکن	۹۷۰۱	۱۴۷۰۷۶۴	۱۳۱۳۸۵۵	۱۵۶۹۰۹	۰,۲۵	۴,۱
معدنی	۹۳۹	۵۱۶۲۰	۳۱۲۶۹	۲۰۳۵۱	۰,۲۱	۴,۹
سهامی عدالت	۳۴۱	۴۸۱۶۷۸۲۲	۳۹۷۸۲۲۹۰	۱۷۳۸۲۲۹۰	۲۱۸۳*	
کل	۶۹۲۹۱	۵۷۱۲۸۶۲۲	۳۸۴۸۶۲۹۶	۱۸۶۴۲۳۲۶	۱۳۷۳۷۳۱	

ماخذ: سالنامه وزارت تعاون و محاسبه پژوهش

* این آمار تعداد شاغلین دفتر مرکزی را نشان می‌دهد و معیار درستی برای بررسی نیست. البته شرکت‌های سهامی عدالت تعاونی معمول هم نیستند.

این در حالی است که بیش از ۵۰ هزار تعاونی ثبت شده غیر فعال در کشور وجود دارد. تعاونی‌هایی که پس از تاسیس و دریافت تسهیلات تعطیل شده‌اند و یا به علت‌هایی نتوانسته‌اند و یا خواسته‌اند به فعالیت ادامه دهند.

علت اصلی ایجاد بسیاری از تعاونی‌ها دریافت امکانات و تسهیلات و به تعبیری استفاده از رانت‌های حمایتی بوده است. از جمله تسهیلات برای تعاونی‌ها، معافیت‌های مالیاتی (۲۵٪) و معافیت ۲۰ درصدی پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی، افزون بر این سهم ویژه و بالای تعاونی‌ها از تسهیلات تکلیفی (حدود ۲۵٪) در سال‌های اخیر است.

با توجه به تعطیلی نزدیک به نیمی از تعاونی‌های ثبت شده که از تسهیلات استفاده کرده‌اند به خوبی می‌توان به این نتیجه رسید که بسیاری از تعاونی‌ها تنها برای سوء استفاده از این رانت تخصیصی به تعاونی‌ها، تشکیل شده‌اند.

بر این پایه می‌توان گفت این برداشت نادرست و تخصیص یارانه و منابع عمومی به تعاونی‌ها هم موجب اتلاف منابع عمومی از طریق استفاده منابع و تعطیلی واحدهای با عنوان تعاونی شده است، هم انحراف منابع از مسیر تولید کارا را با تخصیص منابع به بنگاه‌های غیر تعاونی با ساختن شبه تعاونی و حرکت در مسیر غیر کارای بنگاه‌ها، به همراه داشته و موجب کاهش بهره‌وری، کارایی و رشد اقتصادی شده است و مهمتر اینکه نسبت دادن تعاونی به عنوان بنگاه اسلامی، موجب شده است که برداشت شود دیدگاه‌های اسلامی موجب ناکارایی و انحراف منابع هستند.

۲. پیشینه

نوشته‌های بسیاری درباره تعاون با برداشت‌هایی به نام اسلامی منتشر شده است. از میان این نوشته‌های گسترده تنها تعداد اندکی از سوی متخصصان ارایه شده است. نگاهی به مهمترین اینها می‌کنیم.

شافعی (۱۳۸۷) در نوشته تعاون در قرآن نخست با اشاره به آیه ۲ سوره مائده (.. تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان ..) و در نیکوکاری و تقوی با یکدیگر همکاری کنید نه در گناه و ستمکاری). آن را مستندی بر تایید تعاونی‌ها از نظر قرآن دانسته است. سپس به تشریح و تبیین کلمات اساسی این آیه یعنی برّ، تقوی، اثم و عدوان می‌پردازد. بدین منظور از آیات قرآن به ویژه آیه ۱۷۷ بقره، ۹۲ آل عمران، ۱۵۱ تا ۱۵۳ انعام استفاده کرده است. با توجه به این آیات برای

مفهوم بر سه ویژگی قائل شده است. ویژگی اول اعتقادی شامل توحید، معاد، ایمان به غیب، کتاب و نبوت است. ویژگی دوم اقدامات عملی شامل بر پا داشتن نماز و بخشش مال می‌شود. ویژگی سوم رفتاری و اخلاقی شامل وفای به عهد، صبر بر ناملایمات در راه ثبات عقیده می‌شود. در ویژگی دوم به بخشش مال یا انفاق اشاره شده است. انفاق مال به فقرا شرط رسیدن به بر قلمداد شده است. انفاق شامل زکات، صدقه، خمس و سایر پرداخت‌ها به نیازمندان اعم از انفاق‌های واجب و مستحب است.

در تعریف تقوی اشاره شده است که تقوی داشتن حس و حالی است که دارنده آن خود را از خطرات احتمالی محافظت و مراقبت می‌کند. از جمله صفات متقین که در آیات ۱ تا ۵ سوره بقره بیان شده آن است که از آنچه خدا روزی شان کرده است انفاق می‌کنند. در آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام تقوی را پرهیز از اعمالی همچون شرک به خدا، عاق والدین، کشتن فرزندان از ترس قحطی و گرسنگی، نزدیک شدن به کارهای زشت و معاصی (فواحش)، نزدیک شدن به مال یتیم مگر به قصد تبدیل به احسن، کم فروشی و معرفی کرده است. در بیان واژه اثم آمده است که اثم به طور کلی به معنی گناه و کار زشت است نظیر خوردن مال حرام، خوردن گوشت مردار، ربا، بهتان، سوء ظن، شرک به خدا و مانند اینها. نویسندگان عدوان را نیز مطلق ستم، تجاوز و تعدی ترجمه کرده است. اگرچه این واژه‌ها (بر، تقوی، اثم و عدوان) صرفاً اقتصادی نیستند ولی دستورات اقتصادی (انفاق، زکات، خمس، صرفه جویی در مصرف، فقرزدایی، رسیدگی به قشر مستضعف و رباخواری) بخش مهمی از محتوای این کلمات است. از آیه تعاون نتیجه می‌گیرد که منظور قرآن از دعوت به تعاون و همکاری (البته از جنبه اقتصادی) کارهای جمعی و غیر فردی است که برای اداره جامعه لازم است. قرآن مردم را دعوت می‌کند که از فردگرایی و ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی پرهیز کنند و فقرا را در تامین یک زندگی شرافتمندانه یاری کنند. راه کارهایی که می‌توان از طریق تعاون به این هدف رسید به سه شکل است:

۱- اغنیا کمک‌ها و انفاق‌های خود را مستقیم به نیازمندان بپردازند. ۲- ثروتمندان غیر مستقیم اقدام به رفع نیاز فقرا و نیازمندان کنند. به این صورت که آنچه می‌خواهند انفاق کنند در اختیار حکومت اسلامی قرار دهند و حکومت هم بصورت بلاعوض، قرض الحسنه و یا سرمایه‌گذاری اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی به آنان بپردازد. ۳- توانگران همراه با قشر بی‌بضاعت شرکت‌های تعاونی تشکیل دهند و سهم سرمایه آنان را از محل انفاق‌ها تامین کنند. حق رای هم برای آنان قایل شوند و سود حاصل از فعالیت شرکت را عادلانه تقسیم کنند. همچنین در صورت نیاز به افزایش سرمایه، سهم مستمندان را هم اغنیا پرداخت کنند. در روش سوم اگر حکومت اسلامی بتواند اینگونه انفاق‌ها

را جزء مالیات یا هزینه‌های قابل قبول بپذیرد می‌توان به توانایی این روش در کاهش فاصله طبقاتی، وفاق اجتماعی و تعدیل اقتصادی امیدوار بود.

سرآبادانی (۱۳۸۲) در مقاله اقتصاد تعاونی در اسلام با اشاره به جایگاه اقتصاد تعاونی در قانون اساسی، بیان می‌کند تعاونی تأثیر بالایی در تحقق عدالت اجتماعی و تسریع روند رشد اقتصادی دارد و فعالیت اقتصادی تعاونی‌ها از نظر فقهی بلا اشکال است. می‌توان با برنامه ریزی دقیق‌تر و جدی‌تر در امر تعاونی این بخش را در حد مورد نظر قانون اساسی از نظر کمی و کیفی گسترش و توسعه داد. در اسلام از دو جهت، روش تعاونی مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است: الف) مبانی اخلاقی و اعتقادی رویکرد تعاون در اسلام مورد تأکید و تبلیغ قرار گرفته است، به‌طوری که می‌توان رویکرد تعاون را یکی از پایه‌های اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام نامید. ب) از نظر فقها نیز مجوز فعالیت تعاونی‌ها (به ویژه تعاونی مصرف) داده شده است.

از نوشتار چنین برمی‌آید که نویسنده بیشتر به نقش تعاونی‌ها در رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی و چگونگی گسترش تعاونی‌ها پرداخته است و به این رویکرد که آیا تعاونی‌ها به شکل شرکت‌هایی که به دنبال کسب منافع برای همه اعضا است، همان چیزی است که از آیات قرآن استنباط می‌شود، اشاره‌ای نشده است.

یوسفی (۱۳۸۸، ۷۳ و ۷۴) در کتاب اقتصاد تعاونی از منظر اسلام در تحلیل واژه تعاون بر اساس آموزه‌های اسلامی از آیه «... و تعاونوا علی البر و التقوی ...» برداشت می‌کند که در تعاون دو عنصر اصلی وجود دارد: الف) همکاری و همیاری ب) داشتن هدف مجموعه افرادی که می‌خواهند با هم همکاری کنند باید دارای هدف مشترکی باشند. خدای متعال در این آیه از مردم می‌خواهد که همکاری خود را به هدف رسیدن به اموری که خیر و تقوی است قرار دهند و در اموری که گناه و دشمنی است همکاری نکنند. برای نمونه همکاری مردم در تولید محصول انگور هم می‌تواند به هدف استفاده از تولید انگور برای خوردن و تبدیل آن به سایر مواد غذایی و دارویی باشد و هم به قصد تبدیل آن به شراب. هر دو نوع همکاری، تعاون نامیده می‌شود؛ اما در یکی هدف از همکاری امر خیر و تقوی است و در دیگری رسیدن به شر و گناه. بنابر این معنای اصطلاحی تعاون را با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان چنین بیان کرد: هر نوع همکاری برای رسیدن به هدفی مشترک را تعاون می‌نامند، ولی اسلام تنها تعاون با هدف مجاز را تأیید می‌کند. به این ترتیب هم شرکت‌های تجاری سهامی و هم شرکت‌های تعاونی مصادیقی از تعاون هستند. از اینها فهمیده می‌شود همکاری در هر نوع فعالیتی اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی مجاز، برّ است. فعالیت مجاز هم چیزی است که گناه نباشد و ایجاد دشمنی نکند. در این نوشتار فعالیت اقتصادی با انگیزه رفع نیاز خود و سایر انسان‌ها را بخش تعاونی می‌نامد.

توتونچیان (۱۳۸۱) در تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن، به قدمت تعاون و فعالیت‌های اقتصادی مشارکتی در اسلام اشاره می‌کند و در مقایسه با نظریه‌های جدید در این زمینه بر این نظر است که نباید مساله تعاون و اسلام را جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار دهیم. بسیاری از پدیده‌هایی که غرب به صورت یک دستاورد جدید به جهان معرفی نموده است، به صورتی سنتی از دیرباز در کشورهای دیگر به ویژه کشور ما وجود داشته است. مفهوم سرمایه اجتماعی به معنی شبکه نامرئی و غیر رسمی از روابط متقابل بین انسان‌ها در یک جامعه که امروزه در غرب مطرح شده است، در صدر اسلام همه در زمان حضرت رسول (ص) و هم در زمان حضرت امیر (ع) مورد تاکید بوده است. فاکتورهای سرمایه اجتماعی عبارتند از اخلاق، مسئولیت پذیری، وجدان کاری و احترام به دیگران. بستن عقد اخوت در بین مهاجرین و انصار در زمان حضرت رسول (ص) از جمله اقدامات ایشان در راستای ایجاد سرمایه اجتماعی بود. نبود سرمایه اجتماعی مشکل عمده تعاونی‌ها است. وی بر این باور است هدف اقتصاد اسلامی عبارت است از به حداکثر رسانیدن آثار خارجی مثبت و به حداقل رساندن آثار خارجی منفی و از این طریق عدالت اجتماعی محقق می‌شود. عبارت کوتاه قرآنی "انما المومنون اخوه" نمونه‌ای بارز از این عدالت است. طبق این عبارت توابع مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر تاثیر متقابل دارند.

به طور کلی می‌توان از این پیشینه این را برداشت کرد که بیشتر نویسندگان تعاون در قرآن را با تعاونی اقتصادی معمول منطبق نمی‌دانند بیشتر تلاش شده است که مغایر نبودن این دو را بیان کنند. ولی نتیجه‌گیری برخی با این استدلال مبنی بر اینکه تعاون قرآنی می‌تواند همین تعاونی‌های اقتصادی باشد یا همین تعاونی‌ها است، قابل تأمل است.

۳. داده‌ها و روش

ما در اینجا دو دسته داده داریم، یکی مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی و دیگری، آیه‌های قرآن در باره تعاون و مفهوم‌های به کار رفته در آیه تعاون. ما با یک بررسی تطبیقی، نخست مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی اقتصادی را بیان می‌کنیم، سپس اینها را با ویژگی‌های تعاون در قرآن مقایسه تطبیقی می‌کنیم تا انطباق یا اختلاف آنها روشن شود.

۳-۱. مفهوم، ویژگی‌ها و چارچوب تعاونی

واژه تعاون با همین شکل موجود از قرآن به فارسی راه یافته است و به معنای همیاری یا یاری رساندن به یکدیگر است. در تعریف بنگاه‌های اقتصادی تعاونی نیز همیاری نهفته است. برای نمونه تعریف اتحادیه بین‌المللی تعاون برای بنگاه تعاونی را ملاحظه کنید: یک تشکل مستقل از اشخاصی است که برای رفع نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور داوطلبانه و از طریق

موسسه‌ای اقتصادی و با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک با هم متحد شده‌اند (شافعی، ۱۳۸۷).

همچنین کارگروه ویژه تعاون در پروژه هزاره سوم سازمان ملل متحد نیز تعاونی را اینگونه تعریف می‌کند: ترتیباتی نهادی که به طور بالقوه قادرند هزینه‌های معاملاتی دسترسی به بازار نهاده‌ها و ستاده‌ها را کاهش و همچنین قدرت چانه‌زنی کشاورزان خرده‌پا را در برابر خریداران و فروشندگان بزرگ افزایش دهد (همان، ۱۳۸۷). این تعریف بیشتر به هدف تعاون اقتصادی پرداخته و با این تجربه رایج شده است که بیشترین موفقیت تعاونی‌ها در چارچوب تعاونی‌های تامین نهاده و فروش محصولات کشاورزان خرده‌پا رخ داده است. امروزه تجربه‌های جهانی نشان داده است که این‌گونه تعاونی‌ها موفقیت بیشتری داشته‌اند. همچنین قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶، شرکت تعاونی را اینگونه تعریف می‌کند: ماده ۲ - شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس‌اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود. تبصره - تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ عضو کمتر باشد.

تعریف‌های دیگری نیز در این زمینه رایج شده است. بیشتر تعریف‌ها که پس از رایج تعریف بالا آورده شده است، برگرفته از آن تعریف است. برای کوتاه شدن نوشتار از بیان آنها صرف‌نظر می‌کنیم. برای اطلاع به منابع مرتبط نگاه کنید. از همین دو تعریف بین‌المللی می‌توان به چند نکته پایه‌ای به عنوان چارچوب یا ویژگی‌های پایه‌ای تعاونی دست یافت. ۳ ویژگی اصلی در هدف، روش و حقوق اعضا است:

۱. تعاونی برای مشارکت و همیاری متقابل شکل می‌گیرد.
۲. بنگاه تعاونی برای انتفاع و رفع نیاز خود اعضا شکل می‌گیرد.

۱ برای نمونه نگاه شود به:

مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ قانون تجارت

انصاری، ۱۳۹۸.

آفاسیدی و خامکی، ۱۴۰۰.

امینی، ابراهیم‌زاده، ملکی، ۱۳۸۲.

پویش، ۱۳۸۴.

سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۴.

شافعی، ۱۳۸۷.

طالب، ۱۳۹۱.

۳. مالکیت تعاونی و دارایی‌های آن به اعضا تعلق دارد و کلیه حقوق، مانند منافع آن متعلق به اعضا است. مالکیت مشترک است. همه اعضا (مالکان) حق رای برابر دارند، هر چند ممکن است مالکیت و سرمایه مالکان در بنگاه برابر نباشد.

۳-۲. آیه تعاون

آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْفُلَّانِدَ وَلَا آمِينَ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا
نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

هان ای کسانی که ایمان آوردید مقتضای ایمان این است که - شعائر خدای و - چهار- ماه حرام را حلال مشمارید و نیز کشتن و خوردن قربانی‌های بی‌نشان مردم و قربانی‌های نشان‌دار آنان را حلال ندانید، و متعرض کسانی که به امید فضل و خوشنودی خدا، راه بیت الحرام را پیش گرفته اند نشوید، و هر گاه از احرام در آمدید می‌توانید شکار کنید، و دشمنی و کینه کسانی که نگذاشتند به مسجد الحرام در آئید شما را وادار به تعدی نکنند، یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید، و در گناه و دشمنی به یکدیگر کمک نکنید و از خدا پروا کنید که خدا شدید العقاب است. این نکته تصریح می‌شود که ترجمه این آیه خاص نیست و مترجمان در کلیت همین مفاهیم را در این آیه یافته‌اند. هر چند برخی تصریح‌ها در برخی ترجمه‌ها بیشتر است. برای نمونه می‌توان به ترجمه‌های زیر توجه کرد (موسوی همدانی: ترجمه‌المیزان).^۱

^۱ ترجمه مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت نشانه‌های (توحید و پرستش) خدا (مانند اعمال حج و عمره و مکان‌های آن عبادات) و حرمت ماه‌های حرام (که رجب و ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم است) و حرمت قربانی بی‌نشان و قربانی قلاده در گردن و حرمت قاصدان بیت الحرام را که فضل و خشنودیی از پروردگارشان را می‌طلبند نشکنید. و چون از احرام در آمدید می‌توانید شکار کنید، و عداوت گروهی بدین جهت که شما را از مسجد الحرام بازداشتند شما را وادار نکند که (بر حقوق آنها) تجاوز کنید. و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید، و از خدا پروا نمایید، که همانا خداوند سخت کیفر است.

ترجمه مکارم شیرازی

ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی

۳-۲-۱. تفسیر

اگر به آیه ۲ سوره مائده و ترجمه آن توجه شود، چند نکته اصلی و راهگشا، بسیار روشن است: نخست اینکه این آیه خطاب به مومنان است.

دوم اینکه پیش از اینکه دعوت به تعاون شود، تعدادی توصیه و رعایت قاعده‌های اخلاقی مراعات دیگران، ارایه می‌شود. از این مجموعه توصیه‌ها می‌توان این برداشت را کرد که احتمال زیاد دارد توصیه به تعاون نیز در دامنه این موضوع‌ها باشد که اخلاقی و در راستای کمک به دیگران است.

سوم اینکه توصیه به تعاون، به برّ و تقوا تخصیص یافته است. یعنی توصیه به تعاون، عام نیست و تخصیص خاص، به دو موضوع برّ و تقوا داده شده است. به صورت روشن قرآن بیان می‌کند که در

ندارد. و خصوصیت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدّی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

ترجمه الهی قمشهای

ای اهل ایمان، حرمت شعائر خدا (مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدّی و قلائد (قربانیان حاجیان چه علامت دار و چه بدون علامت) نشوید و تعرض زائران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده اند حلال نشمارید، و چون از احرام بیرون شدید (می‌توانید) صید کنید. و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منع‌تان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکند، و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.

ترجمه مهدی فولادوند

ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعائر خدا، و ماه حرام، و قربانی بی‌نشان، و قربانیهای گردن بنددار، و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند، نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید، و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به تعدّی وادارد. و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدّی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

ترجمه صفوی (بر اساس المیزان)

ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعائر الهی و ماه حرام و قربانی حج و قلاده هایی که بر گردن قربانی های حج می آویزند و نیز حرمت راهیان بیت الله الحرام را که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند نشکنید، و هنگامی که از احرام بیرون آمدید می توانید شکار کنید، و دشمنی گروهی از مردم که شما را از ورود به مسجدالحرام بازداشتند وادارتان نکند که بر آنان تعدی کنید. شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقواییاری یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید، و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.

این دو موضوع (نه چیز دیگر) توصیه به تعاون دارد. در تصریح این تخصیص در ادامه نکته چهارم بیان می‌شود.

چهارم اینکه از تعاون در برخی کارها، یعنی اثم و عدوان نهی شده است. این نهی تصریح می‌کند که قرآن نه تنها دعوت به تعاون در هر موضوعی را ندارد، بلکه از تعاون در برخی موضوعها هم به صورت صریح نهی کرده است. پس می‌توان گفت توصیه به تعاون موضوع این آیه نیست، بلکه توصیه این آیه به کار نیک و تقوا است که یک روش آن تعاون است. یعنی تعاون را یک روش اجرایی برای نیکو کاری و تقوا دانسته است.

در پایان نیز اشاره و تأکیدی بر تقوا شده و شدید العقاب بودن خداوند را یادآوری کرده است که بیان و تأکید بر اهمیت ویژه تقوا و یادآوری مجازات خدایی است که ضرورت مراعات قاعده‌های اخلاقی و کمک به دیگران و مانع راه درست نشدن و مانند اینها را یادآوری می‌کند.

بر این پایه به صورت روشن می‌توان گفت موضوع این آیه تعاون نیست، بلکه موضوع آیه رعایت برخی توصیه‌های اخلاقی و شعائر مورد پذیرش الهی است. تعاون تنها به عنوان یک روش کار بیان شده و آن هم برای موضوع خاصی که بر نامیده شده است. بر این پایه نباید از این آیه برداشت شود که تعاون یک اصل است، بلکه یک روش اجرایی برای تحقق برخی هدفها و انجام برخی کارها است. اینکه این کارها چیست، با بررسی موضوع بر و تقوا روشن تر می‌شود.

۳-۲-۲. برّ (نیکی) در قرآن

از آیه‌های ۱۷۷ سوره بقره و نیز ۹۲ سوره آل عمران می‌توان معنای برّ را به خوبی تشخیص داد. آیه ۱۷۷ سوره بقره به روشنی بیان می‌کند که «نیکی [برّ] آن نیست که روی خود را به طرف مشرق کنید (که چون مسیحی هستید) و یا به طرف مغرب (که چون یهودی هستید)، بلکه نیکی برای کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال خود را با آنکه دوستش می‌دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان و در یوزگان و بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و کسانی هستند که به عهد خود وقتی عهدی می‌بندند وفا می‌کنند و از فقر و بیماری و جنگ، خویشان دارند. اینان هستند که راست گفتند و همین‌ها هستند که تقوی دارند.^۱

۱ ریاقران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان): لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۱۷۷

از این آیه این برداشت می‌شود که معنای اصلی برّ گسترده است و از ایمان و عبادت خدا تا پرداخت زکات و مال به دیگران و وفای به عهد و خویشتن‌داری در گرفتاری‌ها را در بر می‌گیرد. جنبه اصلی اقتصادی آن نیز کمک بدون چشم‌داشت به دیگران، یعنی بخشیدن مال به دیگران است. در هیچ یک از دیگر جنبه‌ها نیز دربر گیرنده انتفاع فردی و شخصی انجام دهنده برّ نیست.

آیه ۹۲ سوره آل عمران نیز تصریح می‌کند که برّ تحقق نمی‌یابد مگر با انفاق یا گذشت از آنچه برای خود دوست دارید. با تعبیر دیگر بر پایه این آیه، هم می‌توان گفت معیار برّ، گذشت از خویشتن و کمک به دیگران است.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ. یعنی شما هرگز به برّ نمی‌رسید تا آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید و هر چه را انفاق کنید خدای تعالی به آن دانا است.^۱

در برخی از آیه‌های قرآن برّ به کردارهایی اطلاق شده است که جنبه اخلاقی دارد. مانند آیه ۱۸۹ سوره بقره که وارد شدن از درب منازل و وارد نشدن از پشت (پشت بام، دیوار ۲ یا نقب پشت خانه ۳) منزل را برّ دانسته است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. از تو از هلال‌ها می‌پرسند که غرض از اینکه قرص قمر در هر ماه یک بار به صورت هلال در می‌آید چیست؟ بگو اینها وقت‌ها را برای مردم و برای حج معین می‌کنند و این کار خوبی نیست که شما در حال احرام از پشت بام داخل خانه‌ها شوید، بلکه عمل صحیح این است که از خدا بترسید و خانه‌ها را از در آید و از خدا پروا کنید. باشد که رستگار شوید.^۴

درباره کار اخلاقی بودن برّ می‌توان به آیه ۴۴ سوره بقره نیز اشاره کرد که در این آیه بیان میشود که آیا مردم را به برّ امر می‌کنید، ولی خودتان را در این زمینه فراموش می‌کنید. نکته مهم درباره این آیه آن است که قرآن کریم در چند آیه قبل و نیز بعد از آن (آیه‌های ۴۰ تا ۴۶) ۵

۱ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی

۳ قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۴ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۵ بقره: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفَ بِعَهْدِكُمْ وَإِيتَايَ قَارِعُونَ ۴۰ وَ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيتَايَ فَاتَّقُونَ ۴۱ وَ لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۴۲ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّكَعِينَ ۴۳ أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ

توصیه‌های اخلاقی و نیز توصیه به نماز و زکات می‌کند که همه اینها برای دیگران و بدون نیت نفع شخصی دنیایی است.

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَ تَعْقِلُونَ. یعنی شما که کتاب آسمانی می‌خوانید چگونه مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را از یاد می‌برید چرا بعقل در نمی‌آئید.^۱

۳-۲-۳. کیستی نیکوکار

نکته دیگری که در باره نیکوکاری یا همان برّ در قرآن می‌توان یافت و به بحث ما کمک می‌کند، این است که نیکوکاران چه کسانی هستند؟ در این زمینه در قرآن به ۳ نکته مهم بر می‌خوریم. نکته نخست اینکه قرآن خدا را به عنوان نیکو یا نیکوکار یا برّ نام می‌برد. آیه ۲۸ سوره طور چنین می‌فرماید:

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ. یعنی. ما از پیش او را می‌خواندیم (و می‌پرستیدیم) که اوست نیکوکار و مهربان!^۲

نکته دوم اینکه قرآن بیان می‌کند که برخی برگزیدگان، کردار برّ را انجام می‌دهند. در آیه ۱۴ سوره مریم در باره یحیا می‌فرماید: **وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا.** یعنی و با پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود.

نکته مهم در باره این آیه آن است که خداوند در آیه‌های ۱۲ و ۱۳ می‌فرماید به یحیا کتاب و رحمت و محبت دادیم و او با تقوا بود و در آیه ۱۵ نیز خداوند می‌فرماید: درود بر وی روزی که تولد یافت و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

در آیه ۳۲ سوره مریم بیانی نزدیک به همین مطلب از زبان عیسی (ع) آمده است که خدا مرا: **وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا** یعنی نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و گردن کش و نافرمانم نکرده است.^۳ در آیه‌های پیش از آن نیز به دادن کتاب و برپاداشتن نماز و زکات و در آیه پس از آن نیز درود خدا بر عیسی بیان شده است.

بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَ تَعْقِلُونَ ۴۴ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۴۵ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۴۶

۱ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۳ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان) ترجمه آیه‌های ۳۰ تا ۳۵ سوره مریم:

(۳۰) [عیسی] گفت: من بنده خدایم، مرا کتاب داده و پیغمبر کرده .

نکته سومی که در باره کیستی نیکوکاران در قرآن می‌توان به آن اشاره کرد، برخورد خداوند با نیکوکاران یا ابرار است. در قرآن کریم نیکوکاران یا ابرار را دارای جایگاه برجسته نزد خدا و نیز در آخرت می‌داند. برای نمونه در آیه ۱۹۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

لكن الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ. یعنی، لیکن آنان که خدا ترس و با تقوا شدند منزلگاهشان بهشت‌هایی است که زیر درختانش نه‌رها جاری است و بهشت منزل جاودانی آنها است، در حالی که خدا بر آنها خوان و سفره احسان خود را گسترده و آنچه نزد خدا است برای نیکان [ابرار] از هر چیز بهتر است.^۱ همچنین در آیه‌های ۵ تا ۱۰ سوره انسان می‌فرماید:

۵) و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش کافور است.
۶) از سرچشمه گوارایی آن بندگان خاص خدا می‌نوشند که به اختیارشان هر کجا خواهند جاری می‌شود.

۷) که آن بندگان، نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختی- ش همه اهل محشر را فرا گیرد می‌ترسند.

۸) و بر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند.
۹) و (گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم.

۱۰) ما از قهر پروردگار خود به روزی که از رنج و سختی آن رخسار خلق درهم و غمگین است می‌ترسیم.^۲

همچنین در آیه‌های ۲۲ تا ۲۶ سوره مطففین می‌فرماید:

۲۲) محققا ابرار غرق در نعمت هستند.

۲۳) بر آریکه‌ها تکیه زده، تماشا می‌کنند.

۳۱) و هر جا که باشم با برکتهم کرده است، و به نماز و زکات ما دام که زنده باشم سفارشم فرموده.

۳۲) نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و گردن کش و نافرمانم نکرده است.

۳۳) سلام بر من روزی که تولد یافته و روزی که بمیرم و روزی که زنده برانگیخته شوم.

۳۴) به گفتار راست، عیسی پسر مریم که در باره او شک می‌کنند این است.

۳۵) نشاید که خدا فرزندی بگیرد. او منزّه است، چون کاری را اراده فرماید فقط به او گوید: باش پس وجود می‌یابد.

۱ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

۲ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان)

(۲۴) در سیمای‌شان طراوت تنعم مشاهده می‌شود.

(۲۵) از شراب بی‌غش و صافی به ایشان می‌نوشانند.

(۲۶) شرابی که مهر و مومش مشک است و شایسته است که مردم نسبت به چنین زندگی مسابقه بگذارند.^۱

نکته:

آیا اگر خداوند در باره انجام برّ روشی را توصیه کرده است، می‌توان گفت آن روش برای همه کارها توصیه شده است؟

برای دریافت پاسخ این پرسش به قرآن نگاه می‌کنیم. قرآن روش کار دیگری را برای برّ توصیه کرده است. با نگاه و تعمق در آن می‌توان گفت که نمی‌توان تعاون را یک روش توصیه شده عمومی دانست. آیه‌های ۸ تا ۱۰ سوره مجادله در باره منع نجوا بحث می‌کند. آیه ۸ با عبارت‌های مشابه آیه ۲ سوره مائده، بیان می‌کند که برای اثم و عدوان و معصیت رسول خدا نجوا نکند، برای برّ و تقوا نجوا کنید. یعنی اینجا نیز یک عمل واسطه را با هدف برّ و تقوا توصیه می‌کند. نکته مهم این است که پس از این توصیه در آیه بعدی می‌فرماید به درستی که نجوا کار شیطان است. یعنی به صراحت نفی عمل نجوا در کل و به صورت عمومی می‌شود. یعنی عمل واسطه یا روشی را که برای برّ و تقوا پیشنهاد کرده است، عمل شیطان می‌داند و شکی نیست که آن عمل در کل نهی شده است. نکته دیگر اینکه نجوا در آیه‌های دیگر قرآن هم نهی شده است.

بر این پایه به هیچ وجه نمی‌توان روش توصیه شده برای یک کار را روشی مورد قبول برای همه کارهای دیگر دانست.^۲

^۱ قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان) عمل عمومی برای

^۲ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوْنَا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْنَا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّائِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَازَاكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْ لَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ^۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِاللَّائِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجَوْا بِالْبَرِّ وَ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^۹ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بُضَارَهُمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^{۱۰}.

ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان):

(۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید!

(۱۰) نجوا تنها از سوی شیطان است می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند ولی نمی‌تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا پس مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند!

بر این پایه می‌توان ویژگی‌ها و چارچوب تعاون در قرآن را چنین برشمرد:

۱. تعاون در قرآن یک روش انجام کار و به معنای همیاری است.
۲. آیه ۲ سوره مائده، توصیه به انجام کارها به روش تعاون را اختصاص به برّ و تقوا کرده است و یک توصیه عمومی نیست. برّ در قرآن معنای گسترده دارد و در تمامی آن پیگیری نکردن انتفاع شخصی دنیایی نهفته است. تقوا نیز خود نگهداری از نواهی دینی و ترس از خدا تعبیر شده است که آن هم معنای پیگیری منافع دنیایی ندارد. یعنی هدف تعاون در برّ و تقوا گرفتن سود و رفع نیاز فردی نیست. بلکه گذشتن از خود و رساندن نفع به دیگران (خارج خود) و یا انجام کاری است که سود دنیایی ندارد.
۳. در تعاون قرآنی هیچ‌گونه سرمایه اقتصادی تعریف نشده و مالکیت شخصی دنیایی بر دارایی حاصل از برّ و تقوا به فرد تعلق نمی‌گیرد، هر چند منافع آخرتی و نعمت‌های بهشتی در انتظار ابرار است. چون در تعاون قرآنی موضوع انتفاع نیست، حقوق مالکیت و حق رای و مانند اینها نیز مطرح نیست.

۴. تحلیل مقایسه‌ای چارچوب و ویژگی‌ها

نخست مقایسه‌ای کوتاه میان ۳ ویژگی تعاون اقتصادی و تعاون در برّ و تقوا (تعاون قرآنی) می‌کنیم. ویژگی نخست تعاون اقتصادی همیاری است. در دو نوع مفهوم تعاون اقتصادی و تعاون در قرآن، همیاری و مشارکت در انجام کار مبنای تعاون است. پس از این جهت، تعاون در قرآن و تعاون اقتصادی وجه اشتراک دارند. این وجه اشتراک به این علت است که تعاون یک روش انجام کار است و می‌تواند هر جایی به کار برود و در همه جا از این نظر یکسان است.

در قرآن امر به تعاون به موضوع برّ و تقوا تخصیص یافته است و هدف برّ و تقوا هدف خاصی است. تعاون اقتصادی با هدف رفع نیازهای دنیایی همه اعضا شکل می‌گیرد که یک بعد آن هم سود شخصی است که در بنگاه‌های اقتصادی هدف است، ولی در تعاون برّ و تقوا یا تعاون قرآنی، هدف سود رساندن به دیگران و به ویژه نیازمندان است که در قرآن تاکید بر انفاق نیز شده است. پس در این ویژگی تعاون اقتصادی با تعاون توصیه شده قرآنی متفاوت است و حتی می‌توان گفت مخالف است.

در تعاون اقتصادی بر مالکیت اعضا بر سرمایه و منافع آن تاکید شده است. در حالی که در تعاون برّ و تقوا هیچ‌گونه مالکیتی بر سرمایه معنادار نیست. زیرا در تعاون برّ و تقوا پس از آغاز کار (تعاون)، هدف تحقق یافته است، ولی در تعاون اقتصادی افراد منتظر تحقق سود آن هستند و این عمل پیوسته و برای دوره‌های بیشتر با همان سرمایه شکل می‌گیرد. در تعاون اقتصادی حقوق

مالکیت معنا پیدا می‌کند، ولی در برّ و تقوا حقوق دنیایی مالکیت معنا ندارد. از این رو تعاون در برّ و تقوا نمی‌تواند در بنگاه انتفاعی شکل بگیرد و تنها در موسسه‌ای که نفع فردی در آن نیست شکل می‌گیرد، مانند آنچه امروز در ایران خیریه به معنای واقعی نامیده می‌شود. جدول ۲ ویژگی‌های تطبیقی تعاونی اقتصادی معمول و تعاون قرانی را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۲: تطبیق ویژگی‌های تعاون قرانی و تعاونی اقتصادی

ویژگی	تعاونی اقتصادی	تعاون قرانی
هدف: سود دنیایی فردی	دارد	ندارد
حقوق مالکیت دنیایی	دارد	ندارد
همیاری	دارد	دارد

منبع: یافته‌های این مقاله

۵. نتیجه

اگر بتوان گفت آیه ۲ سوره مائده یک امر به تعاون است، ولی نمی‌توان گفت امر به هر تعاونی است، بلکه یک امر خاص به تعاون در زمینه برّ و تقوا است و در مقابل یک نهی از تعاون نیز در زمینه اثم و عدوان است. در باره قران که کلام خدا است، باید به این نکته پایه‌ای دقت شود که خداوند از هرگونه فعل و سخن بیهوده پاک است. بنابر این بیهوده نیست که امر به تعاون در قران یک امر عام نیست. امر یا توصیه استفاده از یک روش در برّ و تقوا است. شاید بهتر باشد اینگونه بگوییم که در قران امر به برّ و تقوا است که در همه قران به شیوه‌های دیگر به صورت عام امر شده است و در این آیه استفاده از روش تعاون را برای آن توصیه کرده است. با توجه به منعی که در استفاده از این روش برای اثم و عدوان شده است، بهتر می‌توان درک کرد که قران نگفته است تعاون انجام دهید، بلکه در همین آیه تعاون انجام ندهید، در یک کار دیگر را نیز امر کرده است. پس از نگاه دقیق به این آیه می‌توان دریافت که امر به تعاون در کنار نهی از آن است.

شاید بتوان ۳ علت اصلی برای این تخصیص امر به استفاده از روش تعاون در برّ و تقوا دانست. یکی اینکه هدف، امر به برّ و تقوا و نهی از اثم و عدوان است که به طور کامل با قران و هدف دین سازگار است و قران انسان‌ها را که در برخی موارد تمایل به تعاون دارند به تعاون در برّ و تقوا امر و از تعاون در اثم و عدوان که ناسازگار با هدف دین است، نهی کرده است.

دوم اینکه ممکن است این تخصیص به این علت باشد که استفاده از روش تعاون در برّ و تقوا مفید و منتج است و ممکن است در معروف‌های دیگر چندان منتج نباشد.

سوم اینکه خداوند، دانای مطلق است و بی شک می‌داند که تعاون در همه کارها منجر به موفقیت نیست. چنانچه تجربه بشری نیز نشان داده است که تعاون در بیشتر کارها با ذات انسان سازگار نیست. زیرا انسان تمایل دارد همه منافع کار اقتصادی‌اش به خودش برسد و اگر می‌خواهد در راه کسب رضایت الهی هم هزینه‌ای انجام دهد، رضایت الهی را برای خودش می‌خواهد و برای روشن و واضح شدن موضوع تمایل دارد تخصیص همه منافع کار برای خودش باشد تا هزینه‌کردن در راه خدا از سوی او مسجل جلوه کند. از این رو در دنیا نیز غیر از استثناها که موقت هم بوده است، تعاون در بنگاه اقتصادی، بیشتر در تامین مواد اولیه و فروش محصول بنگاه‌های خصوصی بخش کشاورزی موفق بوده است که با هم در چارچوبی مانند اتحادیه شکلی از تعاونی را ایجاد می‌کنند. بنابر این انتظار نادرستی است که برداشت این باشد که با وجود ناموفق بودن تجربه بشری در باره بنگاه‌های اقتصادی تعاونی عمومی، خداوند امر به تعاون اقتصادی کرده باشد. مهمتر اینکه اگر خداوند می‌خواست امر عام به تعاون بکند، منعی برای او نبود و اگرز چنین امری نکرده است، پس نمی‌خواسته است امر مطلق به تعاون بشود.

بی شک همه این ۳ مورد درست است، ولی آنچه علت قطعی این بیان بوده است را خدا می‌داند. البته ممکن است تفسیرهای دیگری هم بر این موضوع بشود. ولی به صورت روشن می‌توان گفت خداوند کریم قرآن را برای هدایت انسان‌ها فرستاده است، پس باید برای آنها قابل پذیرش باشد. برای این هدف، قرآن باید قابل درک باشد. همچنین با دیگر دانسته‌های بشر که با روش‌های همگانی و همه فهم به دست می‌آید، ناسازگار نباشد و نیز با دیگر دانسته‌های بشری منافات نداشته باشد. اگر چنین نباشد، پذیرش آن دچار مشکل می‌شود که با هدف دین و صفات ذات الهی متناقض است.

بیهوده نیست که خداوند حکیم در قرآن امر به تعاون در برّ و تقوا و نهی از تعاون در اثم و عدوان کرده است. نخستین نتیجه روشن آن این است که تعاون یک روش و به تعبیری شیوه انجام کارها است و به خودی خود خوبی و بدی ندارد. یعنی همیاری کردن به خودی خود نه خوب است و نه بد، بلکه همیاری اگر در برّ و تقوا باشد، منطبق با هدف دین و اگر در اثم عدوان باشد مغایر هدف دین است و در نتیجه در کارهای دیگر هم ممکن است موافق هدف دین یا مغایر آن و یا حتی بی تفاوت باشد. این بستگی به آن دارد که آن کار دیگر با هدف دین سازگار است و با روش تعاون می‌تواند به موفقیت برسد یا خیر. هر یک از این دو ویژگی نباشد نمی‌تواند مورد توصیه دانای حکیم باشد.

دوم اینکه اگر در قرآن امر به تعاون در برّ و تقوا شده است و از تعاون در اثم و عدوان نهی شده است، می‌تواند امر به برّ و تقوا و نهی از اثم و عدوان باشد. روش، اضافه بر موضوع برای تاکید

خاص آمده است. مانند اینکه با وجود اینکه در قرآن نجوا به طور کلی نهی شده و عمل شیطان دانسته شده است، ولی می‌گوید اگر نجوا می‌کنید در برّ و تقوا نجوا کنید و در اثم و عدوان نجوا نکنید. یعنی برّ و تقوا موضوع امر الهی است و اثم و عدوان موضوع نهی الهی است. تعاون و نجوا اضافه و تخصیصی موردی بر اصل امر و نهی است.

سوم اینکه چون خداوند سخن و امر بیهوده ندارد، به کار غیر موفق و مخالف سرشت انسانی امر نمی‌کند. از آنجا که خداوند آگاه به ذات انسانی است و می‌داند انسان‌ها در پی هدف حداکثر کردن سود خود هستند و تمایل ذاتی دارند که منافع کارشان در اختیار خودشان باشد، حاضر نخواهند شد کاری که با هدف سود انجام می‌دهند از سودش بهرمند نشوند. بر این پایه توصیه به تعاون در برّ و تقوا با ذات انسانی سازگار است، ولی در فعالیت اقتصادی عام سازگاری ندارد. ممکن است در استثنایها هم سازگار باشد. در این شرایط توصیه عام به تعاون با چارچوب دین سازگاری ندارد.

بر این پایه می‌توان گفت هدف قرآن امر به استفاده از روش خاص تعاون نیست. بلکه امر به برّ و تقوا و نهی اثم و عدوان است. استفاده از روش تعاون در امور دنیایی نیز به قابلیت‌های آن برای تحقق هدف‌هایی است که برای آن از روش تعاون استفاده می‌شود و استفاده از این روش ربطی به دین ندارد و نمی‌توان گفت تعاون روشی دینی است. به طور روشن تعاونی اقتصادی هیچ ربطی به دین، قرآن و به ویژه آیه ۲ سوره مائده ندارد. یک شیوه و ترتیب نهادی است که بشر بر پایه علم و تجربه خود در جایی استفاده از آن را مفید دانسته و در جاهای دیگر مفید ندانسته است. این ترتیبات نهادی با آن ترتیبات نهادی قرآنی متفاوت و حتی در بسیاری موارد مغایر است.

نکته بسیار مهم اینکه هدف دین گسترش اخلاق است و همه دین برای آن هدف فرستاده شده است. همه آموزه‌ها و سفارش‌های رفتاری دین نیز (جز اصول و هدف دین و توجیه آنها که آن هم در راستای هدف دین است) اخلاقی است و سفارش به برّ و تقوا و نهی اثم و عدوان نیز در همین راستا است. از این رو برداشت‌های در راستای هدف دین بسیار درست‌تر به نظر می‌رسد و نباید برداشت‌هایی که در راستای هدف دین نیست نباید ملاک باشد.

بر این پایه به جای تحریف قرآن و یا انتساب امور نادرست به قرآن یا انتساب امور بر پایه ظن و گمان به قرآن، باید قرآن و دین را به صورت درست شناخت و معرفی کرد. تعبیر و تفسیر به ظن و برداشت شخصی، بی‌راهه است. همچنان که قرآن می‌فرماید: **"إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا"**^۱، یعنی هرگز حدس و گمان به جای حق نخواهد نشست.

توصیه مهم دیگر در باره انتساب امور کارشناسی به دین و قرآن اینکه امور کارشناسی مانند فایده‌مندی نوعی از فعالیت‌های اقتصادی را باید به کارشناسان اقتصادی سپرد و نباید دین را

جایگزین امور تخصصی و حرفه‌ای کرد. چنانچه احادیث متعددی در باره لزوم سپردن امور تخصصی به متخصصان است. از جمله اینکه پیامبر می‌فرمایند امور دنیا را به کارشناسی خودتان انجام دهید و پرسش‌ها در باره دین را از من بپرسید.^۱ یا در جای دیگری پیامبر ص می‌فرماید: من عمل علی غیر علم کان ما یفسده أكثر مما یصلح. یعنی: هر کس که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از اینکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند.^۲

در پایان هم این توصیه قرآن تاکید می‌شود که: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» زمر/ ۱۸، یعنی: همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.

۱ حدثنا محمد بن یحیی، حدثنا عفان، حدثنا حماد، حدثنا ثابت عن أنس بن مالک، و هشام ابن عروه، عن أبيه، عن عائشة، أن النبی ص سمع أصواتا. فقال: ما هذا الصوت؟ قالوا: النخل یؤبرونها. فقال: لو لم یفعلوا لصلح فلم یؤبروا عامئذ فصار شیصا. فذکروا للنبی ص فقال: إن کان شیئا من أمر دنیاکم، فشانکم به و إن کان من أمور دینکم، فإلی". یعنی: ...پیامبر (ص) فرمود: اگر گرد افشانی نکنند، نیز درخت خرما بارور خواهد شد. کشاورزان آن سال گرده افشانی نکرده و در نتیجه به محصولی دست نیافتند. این موضوع به اطلاع پیامبر (ص) رسید و ایشان فرمودند: اگر موضوعی مرتبط با دنیا بود خودتان کارشناسی کنید و اگر در امور دین پرسشی دارید به من مراجعه کنید.

سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۲۵، باب ۱۵، تلخیص النخل، ح ۲۴۷۱. دار الفکر، بیروت. مشابه همین روایت در صحیح مسلم، ج ۷، ص ۹۵، دار الفکر، بیروت نیز وجود دارد. حدیث ۲۴۷۰، سنن ابن ماجه نیز مشابه این حدیث با سلسله متفاوت است.

۲ الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۴۸۷.

منابع

۱. قران کریم، ترجمه موسوی همدانی (ترجمه المیزان).
۲. قران کریم، ترجمه علی مشکینی.
۳. قران کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۴. قران کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
۵. قران کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۶. آقاسیدی، سیدرضی و خامکی، حسام‌الدین (۱۴۰۰) تعاونی: تولى تا تعالى، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. امینی، محسن و ابراهیم زاده، علی و ملکی، بیژن (۱۳۸۳) شرکت تعاونی از تصمیم تا تشکیل، تهران: رویکرد.
۸. انصاری، حمید (۱۳۹۸) مبانی تعاون، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. پویش، جمشید (۱۳۸۴) تعاونی‌ها محور توسعه کشورهای جهان سوم، مجله تعاون، شماره ۱۶۷، صص ۲۳-۳۰.
۱۰. توتونچیان، ایرج (۱۳۸۱) تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن، مجله تعاون، شماره ۱۳۷، بهمن ۱۳۸۱.
۱۱. حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمد رضا و احمد حکیمی (۱۳۹۵) الحیات، ترجمه احمد آرام، نشر دلیل ما.
۱۲. سازمان بین‌المللی کار (۱۳۸۴) پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها، ترجمه اصغر بیات، تهران: پایگان.
۱۳. سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۳) اقتصاد تعاونی در اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، صص ۱۰۵-۱۲۶.
۱۴. شافعی، غلامرضا (۱۳۸۷) تعاون در اسلام، تهران: وزارت تعاون.
۱۵. طالب، مهدی (۱۳۹۱) اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵) اقتصاد تعاونی از منظر اسلام، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۱) سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۱۸. قانون شرکت‌های تعاونی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶
۱۹. قانون تجارت، مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی و الحاقیه‌ها